

تعیین و افزایش دستمزدها و پرداخت بموقع آنها، عرصه مهمی از مبارزه کارگران!

عطا خلقی ۱۵ شهریور ۸۸
ata.kholghi@gmail.com

یکی از دغدغه های همیشگی کارگران دستمزد آنهاست. تا این تاریخ کارگران ایران نتوانسته اند خود قیمت فروش نیروی کار خود را تعیین کنند.

قانوناً دولت تعیین حداقل دستمزدها را به رسمیت شناخته است. بر اساس ماده ۴۱ قانون کار دولت موظف است: «حداقل دستمزد کارگران را بر اساس نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی و سبد حداقل معیشت خانوار کارگری تعیین کند.»، اما هیچ سالی حتی بر مبنای همین اصل قانون کار هم حداقل دستمزدهای کارگران تعیین نشده است. نه نرخ واقعی تورم در نظر گرفته می شود و نه سبد کامل حداقل معیشت خانوار کارگری مینا قرار می گیرد.

کارگران هیچ نقش تعیین کننده ای در تعیین دستمزدهای خود ندارند. از همین روست که کارگر ایرانی به حق از خود می پرسد چرا سرمایه داران و صاحبان کالاهای موجود در بازار، این حق را دارند که خود قیمت کالاهای خودشان را تعیین کنند، اما کالای من که منشأ تولید همه کالاهاست نه توسط خودم که باید بوسیله دولت و کارفرما و سرمایه دار تعیین شود؟!

بورژوازی ایران و دولت آن با علم کردن آرگانی به نام: «شورای عالی کار» که ترکیبی دو به یک از نمایندگان کارفرما و دولت و کارگران است، عملاً حق تعیین دستمزدها را از کارگران به نمایندگان دولت و کارفرما واگذارده است.

هیچگاه مصوبه شورای عالی کار تناسبی با تأمین حداقل نیازمندی های کارگران نداشته است. شورای عالی کار با دست باز و با اتکاء به نرخ غیر واقعی و جعلی میزان تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی، حداقل دستمزد سالانه کارگران را تعیین می کند.

سال گذشته شورای عالی کار طی اولین مصوبه اش میزان دستمزد کارگران را برای سال جاری، ۲۷۵ هزار تومان تعیین کرد و در دومین نشست خود در غیاب نماینده کارگران با این توجیه که: " نرخ تورم کاهش یافته است " مصوبه جلسه اول را دستکاری کرد و ۵٪ آنرا کاهش داد و عملاً حداقل دستمزد کارگران را ۲۶۳ هزار و ۵۲۰ تومان اعلام کرد.

کارگران در اعتراض به کاهش پنج درصدی میزان دستمزدهای تعیین شده در نشست دوم شورای عالی کار سال گذشته، به دیوان عدالت اداری شکایت بردند.

در نتیجه اعتراض کارگران، قرار بر این شد که در نیمه دوم سال، نشست دیگری برگزار شود و براساس آخرین نرخ تورم، یک بار دیگر دستمزدها بررسی و میزان حداقل آن تعیین شود.

بر اساس این قرار تصویبی شورای عالی کار: «چنانچه تا پایان شهریور ماه ۸۸ نرخ تورم بالاتر از ۲۰ درصد افزایش یابد، شورای عالی کار با توجه به افزایش نرخ تورم، در نشست مجیدی برای ۶ ماه دوم سال ۸۸ تصمیم گیری خواهد کرد.»

اما گویا آمار جعلی نرخ تورم ۱۴ درصدی که اخیراً از سوی بانک مرکزی اعلام شده است، بررسی مجدد دستمزدها توسط شورای عالی کار را "بی مورد" دانسته است و با اینکه دو هفته از زمان بررسی می گذرد، تا کنون نه نشستی صورت گرفته است و نه خبری از بررسی مجدد دستمزدها در کار است! به این ترتیب عملاً بررسی مجدد دستمزدها در نیمه دوم سال منتفی شده است.

عباس وطن پرور، دبیر شورای هماهنگی کارفرمایان کشور در رابطه با منتفی شدن بررسی مجدد میزان دستمزدها در نیمه دوم سال توسط شورای عالی کار، به روزنامه سرمایه گفته است: «امکان افزایش مجدد دستمزد کارگران در سال جاری وجود ندارد.»

وطن پرور با منطقی یک بورژوا نگاه به دستمزد را غیرمنطقی می خواند و می گوید: «در حال حاضر هر کارگر برای کارفرما ۲۳ ماه هزینه دارد تا از این طریق کارگر بتواند ۹ ماه برای کارفرما کار کند، حال اینکه در این ۹ ماه به چه میزان بتواند کار خوب ارائه کند یا اینکه راندمان داشته باشد مشخص نیست.»

وی با اعلام اینکه: «هم اکنون هر کارگر به جای ۲۶۴ هزار تومان حداقل دستمزد، ۷۰۰ هزار تومان برای کارفرما هزینه دارد»، می گوید: «کارفرما در سال به میزان چهار ماه حقوق کارگر فقط به بیمه تامین اجتماعی پرداخت می کند.»

این مقام مسوول کارفرمایی خاطر نشان می کند: «در پرداخت سنوات نیز جای بحث وجود دارد به نحوی که وقتی کارگری توسط کارفرما بیمه می شود دیگر سنوات پرداخت کردن به چه معنایی است؟»

آقای وطن پرور خوب می داند که چگونه چرتکه بیندازد و حساب کند که کارفرما ماهانه چقدر "هزینه" کارگر می کند، تا به قول ایشان کارگر بتواند ۹ ماه برای کارفرما کار کند.

ایشان طلبکارانه خوب و بد کار کردن کارگران را هم ارزیابی می کند و با محاسبه ایشان هر کارگری برای کارفرما ماهانه ۷۰۰ هزار تومان هزینه دارد!

انگار چرتکه انداز آقای وطن پرور قادر نیست حساب کند که ۷۰۰ هزار تومانی که هر کارگر برای کارفرما هزینه دارد، چه در صدی از میزان کل سودی است که هر کارگر برای سرمایه دار تولید می کند؟!

این خصلت طبقاتی بورژواهاست که اولاً کارگر را نان خور و محتاج سرمایه دار می پندارند، ثانیاً آن بخور و نمیری که بابت کارش از کوه ثروتی که تولید کرده است را می دهند، به عنوان کرم و بخشش سرمایه دار به کارگر به حساب می آورند.

در قاموس نظام بردگی مزدی این کارگران نیستند که ثروت و سامان سرمایه داران را می سازند، این سرمایه داران هستند که روزی کارگران را می دهند!

در این قاموس این کارگران نیستند که اسباب عیش و نوش و زندگی در قصرهای مجلل سرمایه داران را فراهم می کنند، این سرمایه داران اند که ماهانه از سر بزرگواری و انسان دوستی و بنده نوازی، از مال و ثروت شان "هزینه" کارگر می کنند!

اکنون و بعد از گذشت شش ماه که بنا به قرار و مصوبه شورای عالی کار می بایست میزان حداقل دستمزدها تعیین شود، ظاهراً با این استدلال که نرخ تورم پائین تر از ۲۰٪ است، بررسی دستمزدها صورت نمی گیرد!

واقعیت این است که نه در دور دوم نیم سال اول، و نه اکنون و در آستانه نیم سال دوم، کسی آثار این "کاهش تورم" را ندیده است و با

این کاهش تورم، ذره ای بهبود در زندگی کارگران به چشم نخورده است و قدرت خرید کارگران در نتیجه این "کاهش های پی در پی تورم" نه تنها بالا نرفته است، بلکه کاهش هم پیدا کرده و عملاً سطح زندگی کارگران را چند پله به زیر خط فقر برده است! اگر چه جعلی و غیر واقعی بودن ادعای "کاهش تورم" را روزمره کارگران با هر قلم خرید روزانه شان تجربه می کنند، اما بد نیست با استفاده از آمار و ارقام دولتی پرده استتاری را که بر این جعلیات کشیده اند، برداریم!

بنا به آمار دولتی از ابتدای سال جاری هزینه مواد خوراکی ۳۰ تا ۴۰ درصد، هزینه پوشاک ۳۰ درصد، حمل و نقل ۲۵ تا ۳۰ درصد، هزینه های تحصیلی ۲۵ تا ۳۰ درصد، افزایش داشته اند. و این در حالی است که افزایش دستمزدها نسبت به سال گذشته تنها ۲۰٪ درصد بوده است.

سطح دستمزد واقعی کارگران آنقدر پایین است که حتی مطابق الگوها و استانداردهای بورژوازی همین نظام و همین رژیم هم کمتر از یک سوم دستمزد قابل قبول را نشان می دهد.

بر طبق الگوهای تعیین حداقل دستمزد برای سال ۸۸، سید هزینه خانوار نباید کمتر از ۶۸۰ هزار تومان باشد، در حالیکه بر اساس مصوبه نشست دوم شورای عالی کار، مبلغی معادل ۲۶۴ هزار تومان یعنی کمتر از نصف سید هزینه خانوار به عنوان دستمزد تعیین شده است. این در حالی است که حداقل هزینه اجاره مسکن یک خانوار کارگری بیش از دو سوم کل دریافتی کارگر را می بلعد.

این روزها بانک مرکزی به منظور "درخشان" نشان دادن کارنامه دولتی دولت احمدی نژاد به میل خود آمار جعلی انتشار می دهد، برابر آخرین آمار جعلی بانک مرکزی، نرخ تورم ۱۴٪ است. حال از دولت و بانک مرکزی باید پرسید که از وقتی که نرخ واقعی تورم از ۳۰ و ۴۰ درصد به "۱۴٪" رسیده است و نرخ تورم ۲۰ تا ۳۰ درصد "کاهش" یافته است، قیمت کدام قلم از اقلام مورد نیاز زندگی کارگر و زحمتکش و توده های مردم، ۲۰ تا ۳۰ درصد پائین آمده است؟!

آیا اکنون که به ادعای بانک مرکزی که نرخ تورم با چنان شتابی به ۱۴٪ نزول کرده است، می توان با همین مبلغ ۲۶۴ هزارتومان مصوب نشست دوم نیم سال اول همه آن چیزهایی را که نرخ تورم ۳۰ و ۴۰ درصد بود تأمین کرد؟! آیا این درجه از "کاهش نرخ تورم" قدرت خرید کارگران را بالا برده است؟!

بطور واقعی سفره بی رونق خانوار کارگری و کمبود های زندگی رو به افزایش آنها نه تنها این ادعا های جعلی را افشا می کند، که اوج آزمندی سرمایه داران و حرص به تشدید شدت استثمار آنها را به نمایش می گذارد.

همان طور که بالاتر اشاره شد بررسی مجدد دستمزدها بر اساس قرار پیشین در نیمه دوم سال هم تغییر آنچنانی در وضعیت معیشت کارگران ایجاد نمی کرد، و حتی اگر هم این بررسی می شد و سطح دستمزدها برابر سید هزینه خانوار - یعنی مبنای ۶۸۰ هزار تومانی - تعیین می شد و به تصویب می رسید، هنوز نه قدرت خرید کارگران را نسبت به سال گذشته بالاتر می برد و نه عملاً افزایشی صورت می گرفت.

همه میدانند که تعیین حداقل دستمزدها در جمهوری اسلامی، تا کنون به معنای افزایش دستمزد نبوده و در طول حاکمیت سی ساله این رژیم هیچ مکانیزمی که بتواند سطح دستمزدها را به تناسب واقعی افزایش تورم بالا ببرد و مانع سقوط قدرت خرید واقعی کارگران بشود، وجود نداشته است؛ و هیچگاه کارگران و مزدبگیران اقشار پایین جامعه اضافه دستمزدی به معنای واقعی نداشته اند.

تنها آن زمان میتوان از اضافه دستمزد حرف زد که کارگران توانسته باشند حداقل دستمزدی به دولت و کارفرما تحمیل کنند که درصدش بالاتر از درصد واقعی تورم باشد.

تعیین حداقل دستمزدها در هر حدی که باشد مادام بالاتر از نرخ واقعی تورم نباشد دقیقاً به این معناست که سطح زندگی فردای کارگر نازلتر از سطح زندگی دیروزش خواهد بود.

کارگر اگر بخواهد قدرت خرید واقعی اش در حد سال گذشته باقی نماند و بدرجه ای آمادگی این را داشته باشد که از عهده هزینه های پیش بینی نشده سال آتی برآید چاره ای جز این ندارد که خواهان حداقل دستمزدی بالاتر از نرخ تورم باشد.

اگرچه بررسی مجدد تعیین حداقل دستمزدها منتفی است و از شواهد چنین بر می آید که در بحبوحه تشکیل دولت جدید و با دستکاری های مخفیانه و عجولانه قانون کار و جابجایی وزرای جدید و قدیم قانون کار، محمل قانونی طرح بررسی مجدد دستمزدها کنار رفته است، اما نباید فراموش کرد که مستقل از مکانیزم های دولتی تعیین دستمزدها، امر مبارزه برای افزایش دستمزدها در هر واحد کاری و کارگری کماکان عرصه مهمی از مبارزه برای بهبود سطح زندگی همین امروز کارگران است که خود می تواند بستری هم برای گرد آمدن هر چه وسیعتر کل طبقه کارگر برای به دست آوردن دیگر مطالبات اقتصادی و سیاسی آنها باشد.

در این رژیم که بسیاری از ارگانهای حکومتی نظیر سپاه پاسداران و بنیادها و... از بزرگترین صاحبان صنایع و سرمایه گذاران اصلی در مؤسسات مالی و تجاری هستند، هر مبارزه ای برای افزایش دستمزدها، علاوه بر سرمایه داران و کارفرمایان، کلیت سیستم سرمایه داری و نظام حکومتی را به چالش می کشد.

به عبارت دیگر مبارزه برای افزایش دستمزدها علاوه بر مبارزه برای یک خواست معین اقتصادی، همزمان یک مبارزه سیاسی علیه کلیت سیستم و رژیم هم هست که اگر سازمان یافته و حساب شده پیش رود، از سوی جامعه و بویژه جنبش های اجتماعی حمایت می شود.

در واقع مبارزه برای افزایش دستمزدها بستری است برای هرچه اجتماعی تر شدن مبارزات کارگری و زمینه ای است برای ایجاد تغییر در توازن قوای بین جبهه کار و سرمایه به نفع جبهه کار علیه سرمایه!

در جریان مبارزه برای افزایش دستمزدها که در واقع یک رو در رویی جدی با سرمایه و دولت است. دولت برای جا خالی دادن و دور زدن موضوع و از سر خود واگردن، به انواع راه گریزها متوسل می شود و با علم کردن بهانه کاهش قیمت نفت و بحران اقتصادی و تحریم اقتصادی و... سعی خواهد کرد از پاسخ عملی به این مطالبه مهم و اساسی کارگران طفره رود.

کارگران و همه آنهايي که پا در این عرصه از مبارزه میگذارند باید بی اعتنا به بهانه آوردن های کارگزاران حکومتی، با صدای بلند شعار: « افزایش دستمزدها حق مسلم ماست » سر دهند و به میدان آیند.

در هر اجتماعی ضروری است کارگران با صدای بلند فریاد برآورند که چرا کارگر که خالق همه ثروتهاست همیشه باید زیر خط فقر زندگی کند؟!

چرا هر صاحب کالایی به میل خود و با حمایت دولت این حق را دارد که برای کالایش نرخ تعیین کند، اما کارگر رأساً و مستقلاً حق تعیین نرخ یگانه کالایش، حق تعیین قیمت فروش نیروی کارش را ندارد؟!

در این اجتماعات، کارگران لازم است با صدای بلند اعلام کنند که ما خود، تعیین می کنیم که تنها کالای مان را، نیروی کارمان را، به چند

می‌فروشیم.

جز خود کارگران کسی نه مجاز است و نه صلاحیت دارد که به نیابت آنها میزان دستمزد هایشان را تعیین کند. تنها مرجع صلاحیت دار تعیین دستمزدهای کارگران، شورای نمایندگان خود کارگران است.

در طول سالهای گذشته کارگران بارها در اشکال گوناگونی خواستار افزایش دستمزدهای شان شده اند و به مناسبت های گوناگونی از جمله در قطعنامه های اول ماه هر ساله شان بر اهمیت مبارزه برای تحقق این خواست بسیار مهم کارگری تأکید داشته اند، اما هیچگاه شاهد آن درجه از همبستگی کارگری که توازن قوا را به نفع کارگر رقم بزند و با سلبه ای پر زور افزایش واقعی دستمزد را به کارفرما و دولت تحمیل کند، نبوده ایم. این ضعف بزرگی است!

یکی از وظایف کمونیست ها و فعالان کارگری زیرسازی برای غلبه بر این ضعف و هموار کردن راه کمک به ایجاد تشکل های کارگری و راه گشایی مبارزات متشکل و سازمان یافته کارگران حول کلیه مطالبات کارگری، از آنجمله افزایش دستمزدهاست. اقدام اول ماه مه امسال در صدور قطعنامه مشترک کارگران، گامی در این جهت بود که باید گام های بلندتر دیگری را هم دنبال داشته باشد.

در جریان رویداد های اخیر کارگران علاوه بر شرکت فعال در این خیزش های عمومی در خیابان ها، در محل های کارشان هم برای مطالبات کارگری شان مبارزه کرده اند، با این حال ابعاد وسیع خیزش های اخیر آنقدر گسترده بود که مبارزات روتین کارگران در این دوره را، تحت الشعاع خود قرار داده بود و بازتاب مبارزات کارگران حول مطالبات کارگری شان کمتر پچشم می آمد؛ اما کل اخبار و گزارشات کارگری حکایت از این دارند که در این دوره مبارزات کارگران برای تحقق مطالبات گوناگون شان، بهیچوجه از دستور خارج نشده و ادامه داشته است.

در این دوران پر تلاطم سیاسی که رویدادها به سرعت روی می دهند و افکار عمومی را به خود مشغول می دارند، یکی از وظایف کمونیست ها و فعالان کارگری این باید باشد که شرایط بازتاب و انعکاس مبارزات روتین کارگری را تضمین کنند و زمینه های پیوند جنبش مبارزات کارگری را با دیگر جنبش های رادیکال اجتماعی فراهم سازند.

رژیم بورژوایی جمهوری اسلامی که با یک تقلب آماری عملاً بررسی مجدد تعیین حداقل دستمزدها را در آغاز نیمه دوم امسال منتفی ساخته است، در بحبوحه جنجال معرفی اعضای کابینه و جابجایی وزرای کار دولت نهم و دهم و " اصلاح " مخفیانه قانون کار، آگاهانه می کوشد تا موضوع را بکلی از یاد کارگران ببرد.

کارگران باید با به میدان آمدن سازمانیافته و متشکل شان بر مطالبه افزایش دستمزدها، نشان دهند که مبارزه حول وحوش دستمزدها - از پرداخت دستمزدهای بتعویق افتاده گرفته تا افزایش آن - برای همه کارگران بویژه آندسته از کارگرانی که مرتبه ها زیر خط فقر زندگی می کنند خواستی فراموش ناشدنی است.

تلاش برای فراگیرکردن و گسترش دادن مبارزه حول مطالبه دستمزد، از سوی رهبران و فعالان کارگری لازم است به دور از هر گونه اختلاف نظر و سلیقه و صرفاً بر مبنای همبستگی و رفاقت کارگری و در راستای اتحاد و وحدت هر چه بیشتر کارگری علیه سرمایه باشد. با راه اندازی چنین مبارزاتی به ابتکار فعالان کارگری و کارگران فی الحال متشکل، نه تنها صدای کارگران برای مطالبه این خواست مهم کارگری رسا تر و امید بخش تر خواهد شد، عملاً بستر متشکل شدن های باز هم بیشتر آنها هموارتر میگردد. بی شک کارگران متشکل در واحد های تولیدی و مراکز کاری که با اتکاء به مجامع عمومی محل کارشان تجارب بیشتری دارند، میتوانند از پیشقراولان مبارزه برای تحقق این مطالبه مهم کارگری باشند.

اگر آندسته از کارگرانی که در این راه پیشقدم میشوند بتوانند نظر کارگران مراکز بزرگ و کلیدی کار را به حمایت از مبارزه برای تحقق این مطالبه جلب و عملاً در آن سهیم کنند، چنان توازن قوایی را به نفع کل طبقه کارگر تغییر خواهند داد که میتوان به سرانجام موفق آن امیدوار بود. تحقق خواست پرداخت فوری دستمزدهای معوقه و افزایش میزان دستمزدها و هر خواست دیگر مان تنها به پشتوانه تشکل قدرتمند و سراسری مان قابل تحقق است. این قدرت را باید صاحب، و آن مطالبات را باید به چنگ آورد!